

## زبان و خط فارسی

مهندس حسین جلی

کنند. و از واو معنوله خلاص می‌شدیم.  
و به این ترتیب تعداد حروف الفبای کنونی زبان فارسی از (الف - همزه - تا - ی) سی و سه حرف است.

شعر و ادب فارسی چونان درختی ست کهن تنومند و بروند.

امرداد گلزاری ست همیشه بهار

بی‌خزان است بوستان غزل

تا بدان‌جا که گفت شیخ اجل

به چه کار آیدت ز گل طبقی

از گلستان من ببر ورقی

گل همین پنج روز شش باشد

وین گلستان همیشه خوش باشد (خش)

در این‌جا لازم می‌دانم چند کلمه‌یی هم درباره‌ی یادگیری الفبای زبان فارسی به عرض برسانم. در کلاس سوم ابتدایی من به اصطلاح درس خوان و شاگرد اول بودم. گاه و بی‌گاه با بعضی از همکلاسی‌ها دروس را دوره می‌کردیم و با هم درس می‌خواندیم. نکته‌ی جالب این بود که خیلی‌ها ریاضیات یعنی جمع و تفریق و ضرب و تقسیم را به خوبی درک می‌کردند و از این بابت مشکلی نداشتند چون منطق ریاضی برایشان قابل فهم بود و احتیاج به استدلال نداشت.

اما از نظر خواندن و نوشتن فارسی بویژه دیکته با مشکل روبه‌رو بودند و حتا گاه اشک می‌ریختند.

در کلاس چهارم ابتدایی قرائت قرآن مجید به دروس اضافه شد و همه‌ی کلاس با هم از روی قرآن آن را تلاوت می‌کردند. ابتدا حمد و قل هوالله و سپس سوره‌های کوچک را می‌خواندند و آن را چندین بار تمرین می‌کردند. عجبا که این روش در دروس فارسی بویژه دیکته‌ی آن‌چنان مفید واقع شده بود که از غلط‌های فاحش دانش‌آموزان حتا کند ذهن هم به میزان معتناهی کاسته شد. ■

□ [بداًلعنوان] خدمات و زحمات آن بزرگوار به حدی والا و شایان تقدیس و تکریم است که من حقیر کوچک‌تر از آنم که درباره‌ی عشق و علاقه‌ی آن مرد عظیم‌الشان به این مرز و بوم کهن، سخنی بر زبان آورم. چون قلم بر روی کاغذ می‌شناخت

چون به عشق آمد، قلم بر خود شکافت

در حافظ شماره‌ی ۴۵ مهر ماه ۱۳۸۶ مقاله‌یی تحت عنوان «خط فارسی بهترین نیست»، به قلم آقای سعدالله کبیری از مشهد با نثری شیوا و روان درج شده بود. خواندن این مقاله مرا بر آن داشت که چند کلمه‌ای درباره‌ی خط و زبان فارسی معروض دارم.

در دوره‌ی ساسانیان زبان و خط پهلوی ساسانی زبان رسمی دربار بود و اغلب بلاد ایران بویژه در شمال و شمال غرب به زبان درباری (دری) تکلم می‌کردند.

زبان ساسانیان همان پهلوی اشکانی است. در عین حال تعدادی واژه‌های آرامی به آن اضافه شد. مثلاً ملکان ملکا می‌نوشتند و شاهنشاه می‌خواندند و آن را هزوارش می‌گفتند.

می‌گویند اردشیر بابکان به اصلاح خط پهلوی مبادرت ورزید.

بعد از اسلام و استیلای عرب بر ایران خط و زبان پهلوی یک‌سره منسوخ شد و ایرانیان به استنساخ خط عربی پرداختند و تعلیقاتی بر آن افزودند.

با نسخ خط عربی و تعلیق پ-چ-ژ-گ- به الفبای عربی خط نستعلیق به وجود آمد که زبان و خط فارسی کنونی‌ست. و بزرگوارانی چون فردوسی‌ها، رودکی‌ها و فرخی‌ها اشعار خود را به همین زبان سروده و هویت ملت کهن این مرز بوم را احیاء نمودند و زنده نگاه داشتند.

در حال حاضر خط نستعلیق را به صورت نستعلیق ادا می‌کنند.

قبل از ابداع خط نستعلیق حروف پ-چ-ژ-گ را به صورت ب-ج-ز-ک می‌نگاشتند.

مثالی از کتاب المعجم اثر شمس قیس رازی فراهیدی

ای نیکارین روی دلبر زان مایی

رخ مکن پنهان جو اندر جان مایی

تا کی کربی ز عشق و تا کی نالی

سود ندارد کریستن چه سکالی

حروف ث-ح-ص-ض-ط-ظ-ع-ق خاص لسان عرب

است ولی در زبان فارسی بدون توجه به مخرج‌های عربی آن وارد زبان فارسی شده و به کار می‌رود.

از جمله تعلیقات دیگر (واو معنوله) است. در زبان پهلوی ساسانی حرفی با تلفظ بین خ و واو وجود داشته و آن را به صورت (خوا) می‌نویسیم مانند:

خواهر - خویش که در بین لهجه‌های محلی و دهات دور افتاده با همان

تلفظ بین خو و واو ادا می‌کنند و حال آن‌که هم‌اند پ-خ-ژ-گ می‌توانستند تلفظ خ واو را بصورت 'خ با دو نقطه به الفبای فارسی اضافه

### عزم عام

سرلشکر ناصر فرید

چون این هوای سرد زمستانی

بیرون شود ز کشور بحرانی

یاران گوشه‌گیر، به هم آیند

هم‌سو برای فتح خیابانی

شور و قیام خلق که پنهان شد

از شیوه‌های خشم و رجزخوانی

چندان که (عزم عام) به کار آمد

آسان شود روند فراخوانی

وانگه دوباره باز پدید آید

دوران افتخار و جهان‌بانی

پایان سوگ، اشگ و عزاداری

آغاز شور و شادی و مهمانی